

نوشته : دکتر منوچهر گنجی

## تدابیر بین المللی برای اجراء و حفظ حقوق بشر و آزادیهای اساسی

اقدامات سازمان ملل متحد را که بمنظور حفظ حقوق بشر و آزادیهای اساسی بعمل آمده است میتوان بدو طبقه متمایز تقسیم نمود: اول آنچه که مربوط بحقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و دوم بخشی که بحقوق مدنی و سیاسی مرتبط میشود. بهمین دلیل قطعنامه مورخ ۱۹۵۲ مجمع عمومی سازمان ملل از کمیسیون حقوق بشر درخواست تهیه طرح دو میثاق را در زمینه های فوق نمود. طرفداران طرح دو میثاق بر این عقیده اند که «حقوق سیاسی و مدنی حقوقی است مطلق و واجد قابلیت اجرائی فوری در حالیکه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارای چنین خاصیتی نیست» و بتدریج میتوانند مرحله عمل درآید. علاوه بر این بطور کلی میتوان گفت که دسته اول حق افراد در برابر اعمال خلاف قانون و غیر عادلانه دولت میباشد در حالیکه دسته دوم از نوع حقوقی است که تنها با برداشتن قدمهای مثبت از طریق دولتها میتوان به پیشرفت و رشد آن امیدوار بود.

تحقیق یافتن حقوق اقتصادی واجتماعی و فرهنگی در کشورهای مختلف بعلت وجود اختلاف در امکانات اقتصادی، سطح توسعه یافتگی، سنت های فرهنگی و اجتماعی و در نتیجه اختلاف فاحش در سطح زندگی، محتاج به تدابیر ملی و بین المللی گوناگون و مختلف الزمان است. منظور از شناسائی این حقوق در یک اعلامیه جهانی آن نبود که این حقوق تنها در اعلامیه ای که فاقد ضمانت اجرای بین المللی است منعکس شده و جنبه قانونی آن فراموش شود و یا اینکه در تأسیس

نظام لازم برای حمایت بین‌المللی از آن تجاهل گردد. این ملاحظات موجب تصویب قطعنامه ۵ فوریه ۱۹۵۲ مجمع عمومی سازمان ملل گردید. این قطعنامه از شورای اقتصادی و اجتماعی تهیه‌شده را توسط کمیسیون حقوق بشر خواستار شد. میثاق‌های مذکور توسط کمیسیون حقوق بشر تهیه و در سال ۱۹۵۴ از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی تقدیم نهمین اجلاسیه مجمع عمومی گردید مجمع عمومی بالاخره پس از دوازده سال بحث و مذاکره و تلاش طی قطعنامه شماره ۲۲۰ مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میثاق‌های مذکور و پروتکل اختیاری ضمیمه میثاق حقوق مدنی و سیاسی را تصویب و آنرا برای اعلام قبولی کشورهای عضو و سایرین<sup>۱</sup> عرضه نمود<sup>۲</sup>.

### تدابیر اجرایی بین‌المللی میثاق حقوق مدنی و سیاسی

تدابیر اجرایی میثاق حقوق مدنی و سیاسی شامل مقرراتی برای ایجاد یک کمیته ۱۸ نفری موسوم به کمیته حقوق بشر میباشد. اعضای کمیته شش ماه پس از اینکه میثاق قدرت اجرایی پیدا نمود در مجمع کشورهای عضو میثاق انتخاب میشوند. مدت عضویت اعضای چهارسال و انتخاب مجدد آنان بلاسابق میباشد. اعضای کمیته از بین اشخاصی که توسط کشورهای عضو نامزد شده باشند انتخاب میشوند. هر کشور عضو میتواند حداکثر دو نفر از اتباع خود را که واجد صلاحیت اخلاقی بوده و دارای تخصص در زمینه مسائل مربوط به حقوق بشر باشند برای عضویت در کمیته معرفی نماید.

برطبق ماده ۴۱ میثاق در حقوق مدنی و سیاسی شناسائی صلاحیت کمیته

۱ - رجوع شود به ماده ۴۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۲۶ میثاق حقوق

اقتصادی. اجتماعی و فرهنگی.

۲ - تا اول آوریل ۱۹۶۹ هر یک از این دو میثاق فقط مورد تصویب یک کشور

(کستاریکا) قرار گرفته است. لازم الاجرا شدن هر یک از دو میثاق مستلزم ۳۵ تصویب‌نامه

میباشد. و نیز پروتکل اختیاری به ده تصویب‌نامه احتیاج دارد.

اختیاری می‌باشد<sup>۱</sup> و کشورها میتوانند با اختطاریه قبلی شناسائی صلاحیت کمیته را لغو نمایند. در چنین مواردی کمیته تنها صلاحیت ادامه رسیدگی بمسائلی را که قبل از تاریخ لغو صلاحیت مطرح شده‌است دارا می‌باشد. میزان حق الزحمه اعضاء کمیته پس از تصویب مجمع عمومی از محل بودجه سازمان ملل پرداخت می‌گردد. ممالک عضو میثاق موظفند ظرف یکسال از تاریخ لازم الاجراء شدن میثاق و پس از آن هرگاه کمیته حقوق بشر درخواست نماید گزارشی در زمینه اقداماتی که بمنظور اجراء مواد مندرجه در میثاق بعمل آورده‌اند به کمیته تسلیم نمایند. این گزارشها باید حاوی مطالبی درباره اقداماتی که بمنظور اجراء مفاد میثاق بعمل آمده، توفیق هائی که حاصل شده و مشکلاتی که با آن مواجه گردیده‌اند باشد. کمیته گزارشهای مذکور را مطالعه نموده و نتیجه بررسی خود و در صورت لزوم پیشنهادهای مربوط را بکشورهای عضو میثاق ارسال میدارد. ممالک عضو میتوانند نظریات خود را راجع به نتایج بررسی‌های فوق بکمیته گزارش دهند و کمیته میتواند نتایج بررسی‌های خود را بانضمام گزارش کشورهای عضو بشورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل تسلیم نماید.

طبق مواد ۴۱ و ۴۲ در مورد کشورهای عضو میثاق که صلاحیت کمیته را برای قبول شکایات یکدیگر نسبت به نقض مفاد میثاق پذیرفته‌اند ترتیبات خاصی جهت بررسی و حصول اطمینان از اجراء مفاد میثاق از طریق توافق مقرر گردیده‌است. چنانچه کشوری که صلاحیت کمیته را پذیرفته اطمینان حاصل نماید که کشور دیگری که آنهم صلاحیت کمیته را قبول نموده برخلاف مفاد آن عمل میکند ابتدا موضوع را کتباً با اطلاع کشور مزبور میرساند. کشوری که مورد اعتراض قرار گرفته حداکثر بمدت سه‌ماه از تاریخ دریافت نظریه کتبی کشور معترض جوابیه‌ای که حاوی اطلاعات لازم در مسئله مورد اختلاف می‌باشد برای کشور مزبور ارسال خواهد داشت.

---

۱ - برای آگاهی کامل از اختیارات کمیته به مواد ۴۱ و ۴۲ میثاق حقوق مدنی و

در صورتیکه تا شش ماه پس از تاریخ دریافت اولین نظریه کتبی کشور معترض اختلاف با رضایت طرفین فیصله پیدا نکند هر یک از طرفین اختلاف میتواند مراتب را با اطلاع کمیته حقوق بشر برساند.

کمیته حقوق بشر فقط در صورتی به موضوع مورد اختلاف رسیدگی خواهد کرد که اطمینان حاصل نماید موضوع قبلاً طبق قواعد حقوق بین الملل عمومی برای رسیدگی و اخذ تصمیم بکلیه مراجع صلاحیتدار داخلی ارجاع شده و نتیجه مطلوب بدست نیامده باشد. برای رسیدگی به مسئله مورد اختلاف کمیته طی جلسات محرمانه ای ضمن بررسی های لازم سعی خواهد نمود تا اختلاف از طریق توافق و مراعات مفاد میثاق فیصله یابد. نمایندگان کشورهای طرف اختلاف برای ابراز نظریات خود در جلسات کمیته شرکت مینمایند. کمیته حداکثر تا دوازده ماه از تاریخ ارجاع اختلاف بان باید گزارش خود را با اطلاع طرفین اختلاف برساند. در صورتیکه قبلاً توافق حاصل شده باشد گزارش کمیته منحصر به شرح کوتاه واقعیات و توافق طرفین خواهد بود در غیر این صورت گزارش شامل واقعیات و نظریات کتبی و شفاهی که طرفین ضمن رسیدگی ارائه داده اند خواهد بود.

در مواردی که کمیته موفق به حل اختلاف نشود با توافق طرفین اختلاف میتواند کمیسیون مرکب از پنج عضو تحت عنوان کمیسیون توافق (*ad hoc Conciliation Commission*) بمنظور حل دوستانه اختلاف با مراعات مفاد میثاق، تأسیس نماید<sup>۱</sup>.

هر گاه مساعی کمیسیون مذکور حداکثر ظرف مدت دوازده ماه ب نتیجه رضایتبخش نرسد کمیسیون گزارش جامعی از بررسیهای خود را مشتمل بر پیشنهادهای مربوط به حل دوستانه اختلاف و نظریاتی که طرفین اختلاف ضمن بررسی ایراد داشته اند به طرفین تسلیم خواهد داشت. کشورهای طرف اختلاف موظفند ظرف سه ماه از تاریخ دریافت گزارش، قبول و یا رد پیشنهادها را با اطلاع کمیته برسانند.

۱ - برای اطلاع از طرز تشکیل کمیسیون مزبور مراجعه شود به بند (ب) ماده ۴۲.

پروتکل اختیاری ضمیمه میثاق حقوق سیاسی و مدنی حاوی موادی است که برطبق آن کمیته میتواند شکایات فردی را نیز مورد بررسی قرار دهد و در مورد چگونگی رفع آن تصمیم بگیرد<sup>۱</sup>. البته نهها شکایات بر علیه کشورهای که این پروتکل را قبول نموده اند میتواند در کمیته مورد بررسی قرار گیرد.

### تدابیر اجرایی بین المللی میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

طبق تدابیر اجرایی میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مواد ۱۶ الی ۲۵) مالک عضو موظفند گزارشهایی در زمینه اقداماتی که بعمل آورده و توفیقاتی که در راه تحقق بخشیدن به حقوق مصرح در میثاق بدست آورده اند از طریق دبیرکل سازمان ملل به شورای اقتصادی و اجتماعی تسلیم نمایند. این گزارشها باید در مراحل مختلف و برطبق برنامه هایی که توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد پس از مشاوره با مالک عضو میثاق و مؤسسات تخصصی ذیمدخل تنظیم میگردد تهیه و ارسال گردد. شورای اقتصادی و اجتماعی همچنین میتواند ضمن توافق با مؤسسات تخصصی ترتیب تهیه گزارشهای مربوط به پیشرفتهای حاصل در زمینه تحقق بخشیدن به مواد میثاق را که با کار آن مؤسسات ارتباط دارد بدهد.

شورای اقتصادی و اجتماعی میتواند گزارشهای مالک عضو میثاق را برای اطلاع، مطالعه و اخذ تصمیماتی که دارای جنبه توصیه عمومی باشد به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد پیشنهاد نماید.

شورای اقتصادی و اجتماعی همچنین میتواند گزارشهای مربوط را بانضمام این توصیه ها و خلاصه ای از اطلاعات واصل از کشورهای عضو میثاق و مؤسسات تخصصی در زمینه تدابیر متخذ و پیشرفتهای حاصله در رعایت کلی حقوق شناخته شده در این میثاق به مجمع عمومی ارسال دارد. علاوه بر این شورای اقتصادی و

---

۱ - برای آشنائی بیشتر مراجعه شود به مواد ۱ و ۶ پروتکل اختیاری میثاق حقوق

اجتماعی می‌تواند توجه سایر ارکان سازمان ملل متحد و سازمان‌های تخصصی ذی‌مدخل را به گزارش‌هایی که حاوی مطالب قابل استفاده و مفید و در حدود صلاحیت آنان بوده و در اجرای مواد میثاق مؤثر باشد جلب نماید.

برخلاف میثاق مربوط به حقوق سیاسی و مدنی که تدابیر اجرائی آن با هیچیک از ارکان سازمان ملل مرتبط نمی‌باشد، همان‌طور که ملاحظه شد تدابیر اجرائی بین‌المللی میثاق مربوط به حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مستقیماً با شورای اقتصادی و اجتماعی و مجمع عمومی سازمان ملل مرتبط می‌باشد. این سیستم در کمیسیون حقوق بشر مورد انتقاد قرار گرفت زیرا بکلیه مسالک اعم از عضو و غیر عضو میثاق حق قضاوت درباره اقدامات و نحوه اجرای این حقوق در مسالک عضو میثاق را می‌دهد.

#### تاریخچه مختصری از تدابیر بین‌المللی در زمینه اجراء حقوق بشر

الف - سیستم اجرائی جامعه ملل در مورد قراردادهای مربوط به حفظ

#### حقوق اقلیتها

تجربیات قرن نوزدهم در زمینه حمایت بین‌المللی از حقوق اقلیت‌ها نشان داد که تنها انعقاد قراردادهای چند جانبه بدون وجود یک سازمان بین‌المللی مسئول نظارت بر اجرای این قراردادها کافی نبوده و نتیجه مطلوب را نمی‌دهد. این بود که در ابتدای قرن بیستم جامعه ملل ضامن اجرای قراردادهای اعلامیه‌های مربوط به حمایت اقلیت‌ها گردید. کلیه این قراردادها و اعلامیه‌ها با استثناء دو اعلامیه دارای موادی نظیر ماده دوازده قرارداد ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ لهستان می‌باشد. این ماده اشعار می‌دارد که:

«Poland agrees that the stipulations in the foregoing Articles, So far as they affect persons belonging to racial, religious, or linguistic minorities, constitute obligations of international concern and shall be placed under the guarantee of the League of Nations ... Poland agrees that any Member of the Council of the League of Nations shall have the right to bring to

the attention of the Council any in infraction, of any of these obligations, and that the Council may there upon take such action and give such direction as it may deem proper and effective in the circumstances».

طبق این ماده دولت لهستان قبول نمود که اجرای مقررات مندرج در قرارداد در زمینه منع هر گونه تبعیض در مورد اقلیتهای مقیم آن کشور تحت ضمانت جامعه ملل قرار گیرد. دولت لهستان موافقت نمود که هر یک از اعضای شورای جامعه ملل مجاز خواهد بود توجه شورای مذکور را به هر گونه تخطی و نقض این تعهدات جلب نماید و نیز اینکه شوری میتواند هر گونه اقدامی را که در اجرای مفاد قرارداد مؤثر و ضروری بداند انجام دهد. بعلاوه بموجب این قراردادها و اعلامیه ها کشورهای مربوط صلاحیت اجباری دیوان دائمی بین المللی دادگستری را در مورد رسیدگی و صدور حکم نسبت به هر گونه اختلاف «در زمینه قانون و یا واقعیت» ناشی از تعهدات آنان در قبال رعایت احترام حقوق اقلیت ها پذیرفته بودند.

همانطور که از قسمت دوم این ماده استنباط میشود شکایت باید توسط یکی از اعضای شوری طرح میشد لکن عملاً در کلیه موارد شکایات یا از طریق اقلیت ها و یا از طریق ممالکی که عضو شورای جامعه ملل نبودند مطرح میشد. دلیل انحراف از قاعده حقوقی فوق این بود که هیچیک از اعضای شورا از اختیارات خود در زمینه مطرح نمودن نقض قراردادها در شورا استفاده نمی نمود زیرا کلیه آنها پس از تنظیم و تصویب قراردادهای مربوط به اقلیتها به این عقیده متمایل گردیدند که حفظ صلح و روابط دوستانه بین ملل و حمایت اقلیتها ایجاب مینماید که در صورت نقض قرارداد شکایت از طریق اعضای شوری مطرح نگردد، از این رو در عمل شکایات اکثراً از طریق اقلیتها و در چند مورد از طریق کشورهائی که عضو شوری نبودند ارائه گردید. در ابتدا دبیر کل جامعه ملل بررسی مینمود که آیا شکایت رسیده واجد شرایط پذیرش میباشد یا خیر. شکایاتی که قابل پذیرش تشخیص داده میشد بکشوری که علیه آن

شکایت شده بود ارسال میگردید تا نظریات خود را در آن زمینه با اطلاع دبیرکل جامعه ملل برساند. در این موقع پرونده امر که شامل شکایت و نظریات دولت مربوطه بود به شورای جامعه ملل ارسال میگردید.

قبل از اینکه شورا بررسی خود را آغاز نماید موضوع از طریق یکی از کمیته های اقلیت شوری مورد بررسی قرار می گرفت. این کمیته ها عموماً از رئیس شوری بعنوان رئیس کمیته و دو یا چهار نفر دیگر از اعضاء، با انتخاب رئیس شوری، تشکیل میشد. اولین مسئله ای که کمیته اقلیت مورد بررسی قرار میداد این بود که آیا شکایت وارد است یا خیر و در صورتیکه تشخیص میداد که طبق مفاد قرارداد یا اعلامیه شکایت وارد میباشد دومین مرحله کار کمیته یعنی کوشش بمنظور مرتفع ساختن علت شکایت از طریق اقدام لازم از طرف کشوری که علیه آن شکایت انجام گرفته بود آغاز میشد. باین ترتیب کمیته سعی مینمود اختلاف را بنحو رضایتبخشی با ایجاد توافق دوستانه بین طرفین حل نماید.

ضمن بررسی موضوع کمیته میتواندست از طریق رئیس اداره حمایت اقلیتهای جامعه ملل تقاضای کسب اطلاع بیشتری از کشور مربوط را بنماید. کمیته همچنین میتواندست به نماینده کشور مورد شکایت اجازه دهد که نظریات خود را شفاهاً نیز با اطلاع اعضاء آن برساند. در هر حال چنین اجازه ای به اقلیت ها داده نمیشد. معدنک این کمیته ها مراجع قضائی نبوده و اکثر اعضاء آنها سیاستمدارانی بودند که معمولاً توجه چندانی به جنبه های حقوقی مسئله نداشتند بلکه نظر آنان معطوف به عواقب سیاسی بود. کلیه مراحل رسیدگی بطور سری انجام میگرفت و هرگاه مذاکرات غیررسمی با کشوری که از آن شکایت شده بود نتیجه رضایتبخشی بدست نمی داد و چنانچه بعقیده کمیته مداخله شوری لازم میبود موضوع بشوری ارجاع میشد. در غیر اینصورت پرونده شکایت در دبیرخانه جامعه ملل بایگانی میگردید.

## ۱ - طرز کار شوری

بررسی شوری در جلسات علنی انجام میگرفت و کشور مورد شکایت حق شرکت



در جلسات شورای اربابا حقوقی همانند سایر اعضا داشت. پس از پایان مباحثات کلی شوری بمنظور مطالعه و تهیه پیشنهاد های لازم یک نفر از اعضا خود را بعنوان سخبر انتخاب سینمود. اما نظر باینکه تصمیمات شورای جامعه ملل با اتفاق آراء اتخاذ میگردد و کشور مورد شکایت نیز از حق رأی بهره مند بود و وظیفه سخبر در ارائه پیشنهاد هائی که مورد قبول کلیه اعضا شوری واقع شود بسختی عملی میشد. بدین ترتیب وظیفه اصلی وی مذاکره غیر رسمی با نمایندگان دول ذینفع بمنظور جلب موافقت آنان برای حصول راه حلی رضایتبخش بود. مشتکی عنه موظف بود که راه حل حاصله از طریق توافق را اجرا نماید. در غیر این صورت امکان رسیدگی مجدد به دعوی با تکرار مراحل فوق موجود بود.

## ۲ - دیوان دائمی بین المللی دادگستری

در طول عمر جامعه ملل فقط در سه مورد اختلافات مربوط به اجرای قراردادهای حمایت از اقلیتها به دیوان دائمی بین المللی دادگستری ارجاع گردید که در دومورد قبل از رسیدگی دیوان پس گرفته شد. در پنج مورد نیز شورای جامعه ملل از دیوان تقاضای صدور رأی مشورتی نمود. کلیه دعاوی مرجوعه به دیوان، مربوط به حقوق اقلیت آلمانی در لهستان بود که توسط دولت آلمان در مقام عضو شوری به دیوان ارجاع گردیده بود. از پنج رأی مشورتی نیز سه رأی مربوط به اقلیتهای آلمانی در لهستان یک رأی مربوط به اقلیتهای لهستانی در دانزیک و رأی دیگر مربوط به اقلیت یونانی در آلبانی بود. در اینجا باید توجه داشت که تنها دولتی که در مورد اجرای حقوق اقلیتها به دیوان مراجعه نمود آلمان بود که برای حفظ حقوق اقلیت آلمانی نژاد اقدام نمود نه بمنظور مراعات حقوق اقلیتها بدون در نظر گرفتن ریشه ملی آنان.

**ب - مقاله نامه مورخ ۱۵ مه ۱۹۲۲ راجع به سیلزی علیا بین آلمان و لهستان**

نظر بویژگی این مقاله نامه در پیش بینی یک سیستم اجرائی بین المللی برای

حفظ حقوق اقلیتها در دو قسمت سیلزی علیا در اینجا مختصری از آنرا مورد مطالعه قرار میدهم.

در اکثر قراردادهای مربوط به حمایت بین‌المللی اقلیتها که بعد از جنگ جهانی اول تنظیم گردید شورای جامعه ملل و دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری مراجع ذیصلاح برای رسیدگی به موارد نقض و یا تفسیر قرارداد شناخته شده بود درحالیکه این مقاله نامه علاوه بر این دو مرجع بین‌المللی اسکانات دیگری را نیز در این زمینه بوجود آورد. عبارت دیگر، علاوه بر مراجع فوق دو رکن دیگر را بعنوان مراجع بدوی رسیدگی بدعاوی تعیین نمود. این دو رکن عبارت بودند از کمیسیون مختلط<sup>۱</sup> و دادگاه حکمیت<sup>۲</sup> که برطبق مواد ۶۲ و ۶۵ الی ۶۰ مقاله نامه تأسیس گردیده بود. رئیس، اعضاء و کارمندان هر دو رکن از امتیازات خاص و مصونیت سیاسی در خاک دو کشور برخوردار بودند طرفین قرارداد حق جمع‌آوری اطلاعات لازم را از طریق بازجوئی از شهود، کسب نظریات کارشناسان و مجبور نمودن این اشخاص به ادای سوگند درصحت گفته‌های خود برای هر دو رکن قبول نموده بودند. تشخیص صلاحیت هر رکن بنا بر تصمیم خود آن رکن انجام میگرفت.

حمایت بین‌المللی حقوق اقلیتها برطبق مفاد مقاله نامه از وظایف این دو رکن بود. در صورت ارجاع شکوائیه از طرف اقلیتها که مبتنی به مفاد مقاله نامه بود کمیسیون مختلط مرجع بدوی رسیدگی بود ولی هنگامیکه اتخاذ تصمیم در دادگاههای

۱ - کمیسیون مختلط مرکب بود از ۲ نفر آلمانی و ۲ نفر لهستانی که از طرف دولتهای مزبور تعیین میشدند باخانه یک رئیس از ملیت دیگری که توسط شورای جامعه ملل انتخاب میشد.

۲ - دادگاه حکمیت مرکب بود از یک آلمانی و یک لهستانی (که دارای صلاحیت قضاوت بودند) که از طرف دولتهای آلمان و لهستان برای یک دوره که حداقل مدت آن ۳ سال بود انتخاب میشدند. رئیس این دادگاه که از ملیت دیگری بود از طرف شورای جامعه ملل انتخاب میگردد.

مجلسی مستلزم تفسیر مواد مقاله نامه ژنو بود، بشرط آنکه قبل از خاتمه دادرسی در مرحله پژوهشی یکی از متداعین تقاضای کسب نظر دادگاه حکمیت را مینمود، در صورت موافقت دادگاه مجلسی موضوع مورد اختلاف به دادگاه حکمیت ارجاع میگردد. بر طبق بند ۴ ماده ۵۸۸ و بند ۲ ماده ۹۲۵ تصمیم دادگاه حکمیت برای مراجع قضائی و سایر مقامات دول مربوط لازم الاجرا بود.

### ۱ - کمیسیون مختلط

بر طبق مواد ۷ و ۴ الی ۱۰۸، در مورد حق شکایت نسبت به نقض حقوق مندرج در مقاله نامه و نحوه رسیدگی بان در هر یک از دو قسمت سیلزی علیا هر یک از دو دولت موظف به تأسیس اداره ای تحت عنوان اداره اقلیتها بود. افراد یا گروه اقلیتها هنگامی میتوانستند باین اداره دادخواست بدهند که طبق قوانین مجلسی کشور محل اقامت خود قبلاً به کلیه مراجع ذیصلاح داخلی مراجعه نموده باشند. تنها در مواردیکه دادخواست حاکی از آن بود که مقامات مربوط نتوانسته اند در مدت مناسبی بموضوع مورد شکایت رسیدگی نمایند و یا اختلاف از نوعی بود که میبایست بلافاصله بدان رسیدگی شود کمیسیون مختلط استثنائاً بدون در نظر گرفتن اصل مراجعه بکلیه مراجع ذیصلاح داخلی، رسیدگی بدانرا تقبل مینمود ولی در غیر اینصورت اداره اقلیتها دادخواست را رد میکرد.

در مواردیکه وساطت اداره اقلیتها نمیتوانست شاکی را راضی نماید شکایت را بانضمام نظریات اداره مربوط برای اظهار نظر رئیس کمیسیون مختلط بان رکن میفرستاد. رئیس کمیسیون مجاز بود از هر نوع بررسی که باظهار نظر وی کمک مینمود استفاده کند و به اداره اقلیتها و شخص شاکی اجازه میداد تا کتبا یا شفاهاً اطلاعات لازم را در اختیار او بگذارند. اعضاء کمیسیون نیز نظریات خویش را اظهار میداشتند ولی در هر صورت تصمیمات کمیسیون مبتنی به نظر شخص رئیس کمیسیون بود. وی نظریه خود را در مورد چگونگی رفع اختلاف با اداره اقلیتها اطلاع

میداد تا بمقامات ذیصلاح کشور مربوط ابلاغ گردد. اداره اقلیتها موظف بود، در حداقل مدت ممکن، رئیس کمیسیون را از اقداماتی که در زمینه نظریات او صورت گرفته است مطلع سازد. زمان رسیدگی بدعوی بوسیله رئیس کمیسیون تعیین میشد و جلسات آن سری بود. رئیس کمیسیون تصمیم میگرفت که چه موقع نظریه او باید باطلاع شاکی برسد و یا در چه موقع این نظریه منتشر شود. باید توجه داشت که نظریه کمیسیون لازم الاجرا نبود و صرفاً جنبه مشورتی داشت.

طبق ماده ۶۹ و ۷۰ مقاله نامه، کمیسیون مختلط و دادگاه حکمیت خود میتوانند تصمیم بگیرند که طبق آئین نامه داخلی چه کسی میتواند در آن مرجع حضور پیدا کند. براساس ماده ۲۲ آئین نامه داخلی کمیسیون، رئیس کمیسیون جلسه کمیسیون را بمنظور استماع دعوی تشکیل میداد. آقای کالوند رئیس کمیسیون مینویسد که:

«In this procedure the petitioner is granted legal status of a litigant party. His adversary is the director of the Minorities Office who represents the authorities. In each case a procedure in writing takes place and, as a rule, hearings. Both parties may present proposals concerning the weighing of evidence and may give all proof which they deem useful».

از اینرو طبق ماده ۲۲ آئین نامه داخلی کمیسیون در مورد شکایات مربوط به اقلیتها که به کمیسیون مختلط ارجاع میشد شخص شاکی و اداره اقلیتها طرفین دعوی قلمداد میشدند.

## ۲ - دادگاه حکمیت

اعضای دادگاه حکمیت میبایست واجد شرایطی میبودند که برای مشاغل قضائی دادگاههای عادی و یا اداری لازم بود. داوران آلمانی و لهستانی برای مدت سه سال از طرف هر یک از دو دولت تعیین میشدند و قبل از پایان مدت مزبور جز براساس

موازینی که در مورد قضات هریک از دو کشور اجراء میشد ، قابل تغییر نبودند . ضمناً مواد مقاوله نامه ، استقلال آنان را از هریک از دو دولت لازم دانسته بود .

هر یک از دو کشور برای دفاع از حقوق خود شخصی را بعنوان نماینده در دادگاه تعیین مینمود . دادگاه آراء خود را بر اساس مفاد مقاوله نامه و قوانین موجود در کشور مربوط ، مادام که قوانین مغایر مقاوله نامه نبود صادر میکرد . آراء دادگاه برای محاکم و مقامات اداری داخلی هر دو کشور در مواقع صدور حکم و اخذ تصمیم لازم الرعایه بود . هر گاه در موردی دادگاه‌ها یا مقامات اداری داخلی خواستار عدول از آراء دادگاه حکمیت بودند میبایست موضوع را با دلایل توجیهی خویش به دادگاه مزبور تسلیم مینمودند . رأی دادگاه در این مورد نیز برای مراجع قضائی یا اداری مربوط لازم الرعایه بود . اجراء احکام دادگاه از طریق نماینده کشور مربوط بر اساس تقاضای یکی از طرفین اختلاف انجام میگرفت . تشریفات مربوط با اجراء آراء دادگاه همانند تشریفات مربوط به اجراء احکام دادگاههای داخلی بود . با در نظر گرفتن ترکیب و طرز کار و اختیارات آن میتوان گفت که دادگاه حکمیت در حقیقت یک محکمه قضائی بود . در حالیکه کمیسیون مختلط بیشتر جنبه یک رکن سیاسی را داشت که موفقیت آن بیشتر منوط به قانع کردن ، آشتی دادن و تا اندازه‌ای فشار اخلاقی بر حسب نحوه اخذ تصمیمات آن بود . زیرا این تصمیمات در واقع به نظریات رئیس کمیسیون که شخص بیطرفی بود بستگی داشت . در هر حال مهمترین نقش دادگاه در زمینه حمایت از حقوق اقلیتها از طریق صلاحیت آن در تفسیر مواد مقاوله نامه که در ماده ۵۸۸ منظور شده بود اعمال میگردد . سایر اختیارات دادگاه مربوط به حل مسائل خاص اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی ناشی از تقسیم سیلزی علیا بود . در واقع وظیفه اصلی دادگاه عبارت بود از تعیین یک قاعده حقوقی برای مراجع قضائی دو کشور در موارد خاصی که از دادگاه نظر خواسته شده بود .

### ۳ - شورای جامعه ملل

طبق مقاله نامه ژنو ارسال شکایت بشورای جامعه ملل بسه طریق زیر صورت میگرفت .

(۱) - از طریق اداره اقلیتها - این رویه مستلزم فرستادن شکایت به کمیسیون مختلط از طریق اداره اقلیتها بود . چنانچه شاکی از نحوه اجراء تصمیمات کمیسیون از طریق مقامات کشوری راضی نبود میتواند از طریق اداره اقلیتها بشورای جامعه ملل شکایت نماید . اداره اقلیتها موظف بود که ترتیب ارسال شکایت را بشورای جامعه ملل از طریق دولت مربوط بدهد .

(۲) - ارسال شکایات بشوری بطور مستقیم - اقلیتها بطور فردی یا دسته جمعی میتوانند در کلیه مواردیکه مواد مقاله نامه های مربوط به حمایت از اقلیتها نقض میگردد مستقیماً بشورای جامعه ملل شکایت نمایند . شکایات مربوط به سبیزی علیا برخلاف سایر شکایات تنها دارای جنبه اطلاعی نبود بلکه موضوع مورد شکایت در شوری طرح و بررسی میگردد . با اینوصف شخص شاکی اجازه حضور در شوری را نداشت .

(۳) - طرح شکایت توسط یکی از اعضای شوری - هریک از اعضاء شوری میتواند توجه شوری را به هرگونه تجاوز و یا خطر تجاوز به حقوق اقلیتها که در اثر عقد قرارداد های مربوط به حمایت اقلیتها بوجود آمده بود ، جلب نماید . در این موارد شوری میتواند با توجه بشرايط موجود هرگونه اقدامی را که مؤثر و لازم بداند بعمل آورد . تنها دولتهائی که از این حق ، آنهم بطور بسیار محدود ، استفاده نمودند دولتهای آلمان و لهستان بودند .

### ۴ - دیوان دائمی بین المللی دادگستری

طبق بند ۳ ماده ۷۲ مقاله نامه مربوط به سبیزی علیا « هرگونه اختلاف نظر در زمینه قانون یا واقعت » که بین آلمان و لهستان ویا سایر اعضاء شوری در مورد

اجرای مقاوله نامه مزبور بوجود می‌آمد یک اختلاف بین المللی از نوع پیش بینی شده در ماده ۱۴ میثاق جامعه ملل تلقی میشد و هر دو دولت موافقت نمودند که در صورت تقاضای یکی از طرفین اینگونه اختلافات بدیوان دائمی بین المللی داد گسترتری ارجاع گردد. حکم دیوان نهائی بوده و قدرت و اثرات حقوقی آن مشابه قدرت و اثرات حقوقی آراء صادره طبق ماده ۱۳ میثاق جامعه ملل بود.

در عمل فقط یک فقره دعوی بدیوان ارجاع شد. این دعوی مربوط به تفسیر مواد ۷۴ و ۶ و ۱۰۳ و ۱۳۱ مقاوله نامه ژنو در مورد حقوق اقلیتها در سیلزی علیا بود که توسط کشور آلمان بعنوان عضو شورای جامعه ملل بدیوان ارجاع گردید.

### تجربه‌ای که از سیلزی علیا بدست آمد

منظور اصلی از ایجاد سیستم بین المللی برای حمایت از حقوق اقلیتها در منطقه سیلزی علیا حل مسالمت آمیز اختلافات بین اقلیتهای ساکن آلمان و لهستان و دولت‌های مذکور بود. نحوه کار چنان بود که بهیچوجه جنبه مداخله در حق حاکمیت دولت‌های مربوط را نداشت زیرا اجرای نظریات کمیسیون مختلط اختیاری بود.

هر گاه اداره اقلیتها در وهله نخست وظیفه اصلی خود را که رفع مورد شکایت بود بخوبی انجام میداد نتیجه کار موفقیت آمیزتر میبود. ضمناً نقشی که برای دو عضو آلمانی و دو عضو لهستانی کمیسیون پیش بینی شده بود نقش واسط بین دولت‌های خود و کمیسیون بمنظور تسهیل کار رئیس کمیسیون در حل اختلافات از طریق توافق بود اما متأسفانه در عمل برداشت غیر از این بود. اداره اقلیتها و طایف اولیه خود را آنچنانکه پیش بینی شده بود انجام نداد و در نتیجه در اکثر موارد کمیسیون موظف بود رأساً به شکایات رسیدگی نماید (بیش از دوهزار مورد در عرض پانزده سال) اعضای لهستانی و آلمانی کمیسیون در مواردی که شکایاتی مطرح بود اکثراً بجای اینکه نقش واسط را بین دولت خود و کمیسیون ایفاء نمایند هم خود را مصروف دفاع از تصمیمات مقامات محلی کشور خود مینمودند. این واقعیت وظیفه سنگینی را بر عهده رئیس کمیسیون هموار مینمود.

علیرغم شرایط سخت و پیچیده‌ای که در مورد تضمین حقوق اقلیتها در سیلزی علیا و موضوع وفاداری آنان به کشور محل سکونت بوجود آمده بود معذک نتیجه کار کلاً بیش از هر روش بین‌المللی دیگری در حفظ حقوق اقلیتها مؤثر بود و درحقیقت نقطه عطفی در تاریخ حمایت بین‌المللی اقلیتها محسوب میگردد.

سیستم تعریف و تفسیر مواد مقاله نامه<sup>۱</sup> از طریق دادگاه حکمیت و لازم‌الرعايه بودن رأی دادگاه برای مراجع قضائی و اداری کشورهای آلمان و لهستان بطوریکه آقای کاجنپیک رئیس دادگاه حکمیت اظهار نمود :

«... was a new departure in international law, and constitutes (*sic*) as one of the original creations of the Geneva Convention, owes its existence to a combination of the desire to ensure unity of interpretation of the conventional law in the administration of justice by both national courts in favour of an international judicial organ more than absolutely necessary».

### تجربه‌ایکه از سیستم اقلیتها در جامعه ملل کسب شد :

سیستم ضمانت جامعه ملل درحقیقت نه دولتهائی را که دارای تعهدات بین‌المللی در مورد حمایت از اقلیتها بودند و نه اقلیتها را که از این حقوق برخوردار بودند راضی مینمود. دول طرف این قراردادها تقریباً همیشه استفاده از سیستم ضمانت جامعه ملل را دخالت مستقیم در امور داخلی خود میدانستند. همچنین اکثریت مردم این کشورها نیز معترض بودند که در این گونه قراردادها سیستم مشابهی برای رسیدگی به شکایات آنها وجود ندارد و نظر بر این داشتند که وضع موجود تبعیض بنفع اقلیتها میباشد. از طرفی گروهی دیگر وجود یک سیستم تضمینی بین‌المللی حمایت از حقوق بشر را با صلاحیت رسیدگی و اخذ تصمیم در موارد نقض صریح قانون، به سیستم حمایت از اقلیتهای جامعه ملل که اساس آن مبتنی به پیدا کردن



راه حل از طریق توافق بود ترجیح میدادند. بنظر آقای آزکارات مدیر سابق بخش اقلیتهای جامعه ملل عامل اصلی که اغلب کمیته های اقلیت را از ارجاع دعاوی به شوری باز میداشت این بود که اکثرآ دولت موردشکایت در کمیته اقلیت شوری چنین اظهار مینمود :

«I am ready to make reasonable concessions, but in the circumstances I need time and a certain confidence, for these concessions will provoke strong internal agitation in the country; it is, besides essential to be able to manoeuvre so that I may put them forward as spontaneously adopted measures. This will be impossible if the question is brought before the Council for public discussion. If this happens the reaction produced in my country against external interference in purely internal questions, will be much stronger than the Treaties themselves, and in spite of myself I shall be obliged to adopt a negative and uncompromising attitude».

گرچه این نظریه همیشه قابل قبول نبود و بعنوان بهانه ای از طرف بعضی از دول بمنظور جلوگیری از ارجاع دعوی بشوری بکارمیرفت معذکک در بسیاری از موارد میتوان آنرا استدلال قابل قبولی تلقی نمود، زیرا فشار به دولتها در زمینه حفظ حقوق اقلیتها، گرچه در بعضی موارد لازم بنظر میرسد ولی در عمل ممکن است نتیجه آن برای اقلیتها بطور معکوس ظاهر گردد؛ مگر در مواردیکه تدابیر بین المللی مورد موافقت دولت مربوط باشد. حکم دادگاه ممکن است تا آنجا که مربوط به اجرای قوانین توسط سازمانهای رسمی یک کشور است کافی باشد لکن بلا تردید برای تغییر طرز فکر، رفتار و تربیت مردسی که طرفدار برقراری تبعیضات نژادی، مذهبی ملی و زبانی میباشند کافی نیست. بنابراین در این گونه موارد بهترین راه علاج تعلیم و تربیت و تفهیم مسائل بطور صحیح میباشد نه تنها صدور حکم از طرف دادگاه. با آگاهی به هدف کلی جامعه ملل از تأسیس سیستم حمایت اقلیتها که همانا تعلیم و

تربیت و تفهیم مسائل بطور صحیح بود میتوان آنرا با وجود نقائصی که در برداشت گام مؤثری دانست. بخصوص با توجه به هدف و منظور اصلی یعنی جلوگیری از برخورد های بین المللی ناشی از اختلافات مربوط به نقض حقوق اقلیتها که در قرن نوزدهم باعث بروز تشنجات بین المللی متعدد شده و در نتیجه برای حفظ روابط دوستانه ملل زینبخش تشخیص داده شده بود، میتوان گفت که اقدامات جامعه ملل در این زمینه موفقیت آمیز بوده است.

### سیستم اجرایی بین المللی حمایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی از طریق دریافت و بررسی گزارش از طرف دولتها

سیستم بررسی از طریق دریافت گزارش از کشورها بمنظور حمایت بین المللی حقوق بشر امروزه بیش از هر سیستم دیگر مورد استفاده قرار میگیرد. همانطور که دبیرکل سازمان ملل متحد اظهار میدارد: <sup>۱</sup>

«... not only are reporting systems contained in the [draft] covenants and regional instruments they are also provided for in conventions adopted by specialized agencies. Indeed, members of specialized agencies such as the ILO, UNESCO, FAO and WHO are obliged under the Constitutions of these agencies to make periodic reports generally and not only on the implementation of Conventions to which they may be parties».

### الف - سیستم گزارش سازمان بین المللی کار

طبق ماده ۲۲ اساسنامه سازمان بین المللی کار هر یک از کشورهای عضو موظف است سالانه طی گزارشی اقداماتی را که بمنظور اجرای مقوله نامه های بین المللی کار که بتصویب آن کشور رسیده است انجام گرفته باطلاع سازمان بین المللی کار برساند. طبق ماده ۱۹ اساسنامه در صورت تصمیم هیئت مدیره، کشورهای عضو همچنین موظف

۱ - رجوع شود به سند شماره A/۵۴۱۱ مجمع عمومی.

میباشند گزارشهایی نسبت به تطبیق قوانین خود و اقدامات اجرایی که در جهت موافق مقررات سایر مقاوله نامه های بین المللی کار انجام گرفته است به سازمان بین المللی کار ارسال دارند. این گزارشها بنحوی که هیئت مدیره سازمان بین المللی کار تعیین میکند تنظیم شده و حاوی توضیحات مورد نظر خواهد بود. طبق بندهای ۱ و ۲ ماده ۲۳ اساسنامه، مدیرکل سازمان بین المللی کار خلاصه این گزارشها را برای استحضار دول عضو به نزدیکترین اجلاس کنفرانس کار تسلیم مینماید. هر یک از دول عضو همچنین موظف است رونوشت گزارشهایی را که طبق مواد ۱ و ۲ اساسنامه سازمان بین المللی کار به سازمان مذکور فرستاده است به سازمانهای داخلی که طبق ماده ۱ نمایندگی کارگران و کارفرمایان را بعهده دارند تسلیم کند.

طبق مواد ۲۴ و ۲۵ اساسنامه برای رسیدگی به شکایاتی که از طرف یکی از سازمانهای کارگری و یا کارفرمایی بدفتر بین المللی کار میرسد و حاکی از این است که یکی از دول عضو از اجرای مقاوله نامه ای که تصویب نموده است سرپیچی میکند هیئت مدیره سازمان بین المللی کار میتواند این موضوع را با اطلاع دولت مربوط برساند و از آن دولت دعوت نماید تا در این باب پاسخ مقتضی بسازمان بین المللی کار ارسال دارد هرگاه دولت مزبور ظرف مهلت مناسب پاسخی ندهد یا آنکه هیئت مدیره پاسخ را رضایت بخش و قانع کننده تشخیص ندهد میتواند متن شکایت و جوابی را که داده شده است منتشر سازد.

طبق ماده ۱ اساسنامه چنانچه یکی از اعضاء سازمان موفق گردد مقاوله نامه ای را بتصویب مقامات صلاحیتدار کشور خود برساند، اسناد تصویب شده را برای مدیرکل سازمان بین المللی کار ارسال داشته و هر اقدامیکه جهت اجرای مفاد آن مقاوله نامه لازم باشد معمول خواهد داشت. ضمناً هرگاه مقاوله نامه بتصویب مقام یا مقامات صلاحیتدار نرسد عضو مزبور هیچ گونه تعهدی نخواهد داشت؛ مگر در موارد مقتضی که به تشخیص هیئت مدیره گزارشی درباره چگونگی قوانین کشور خود و روشی که در تأیید مفاد آن مقاوله نامه اتخاذ شده است بمديرکل دفتر بین المللی

کار تسلیم مینماید. معمولاً در این گزارشها کشور مربوط متذکر خواهد شد که تا چه حد مفاد مقاله نامه مورد نظر بمورد اجراء گذاشته شده و یا گذاشته خواهد شد و چه اشکالاتی در راه تصویب آن وجود دارد.

از سال ۱۹۲۶ بعد سازمان بین المللی کار یک سیستم مراقبت بین المللی بمنظور بررسی وضع اجراء مقاله های بین المللی کار که متشکل از عوامل زیر میباشد تأسیس نموده است :

۱ - کمیته ای مرکب از متخصصین مستقل که مسئول بررسی گزارشهای دولتها از نظر حقوقی، فنی و علمی میباشد.

۲ - کمیته کنفرانس بین المللی کار که در هر اجلاس کنفرانس مسئولیت مطالعه و بررسی چگونگی وضع اجراء مقاله نامه ها و توصیه نامه های بین المللی کار را براساس گزارش کمیته متخصصین برعهده دارد.

#### ۱ - کمیته متخصصین

کمیته متخصصین که در سال ۱۹۲۷ تأسیس شد مرکب از ۹ عضو مستقل میباشد که برحسب صلاحیت شخصی به پیشنهاد مدیر کل و تصویب هیئت مدیره با توجه به تقسیم بندی جغرافیائی انتخاب میشوند مدت عضویت سه سال و انتخاب مجدد اعضاء بلامانع است. در سال ۱۹۵۷ کمیته متخصصین مسئولیت و نحوه کار خود را بدین شرح تعریف نمود :

«The Committee has always believed that its functions consist in pointing out, in a spirit of complete independence and entire objectivity, the extent to which it appears to the Committee that the position of each State is in conformity with the terms of the Conventions and the obligations which that State has undertaken in virtue of the Constitution of the International Labour Organisation. The members of the Committee have always attached greatest importance to avoiding all political considerations in the technical and juridicial examination of

the matters entrusted to it ... Thus, impartiality and objectivity are the fundamental rules of conduct which the Committee has set itself in performing its work, and the conclusions it reaches represent, traditionally unanimous agreement amongst its members».

برای اخذ تصمیم، کمیته وضع موجود در کشور مورد نظر را با مطالعه گزارش دولت مربوط و بررسیهای مستقلی که از طرف دبیرخانه سازمان بین‌المللی کار (اداره اجرای مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی کار) انجام گرفته و بطور محرمانه به کمیته تسلیم میشود مورد رسیدگی قرار میدهد. تصمیمات کمیته به اشکال مختلف گرفته میشود. در مواردی که قوانین داخلی یک کشور و یا نحوه اجرای این قوانین مغایر با مفاد مقاوله‌نامه‌ای باشد که بتصویب آن کشور رسیده‌است، چنانچه موضوع مورد اختلاف یک امر جزئی دانی بوده و یا آنکه کمیته برای بررسی کامل احتیاج باطلاعات دقیقتری داشته باشد تصمیم کمیته شکل یک تقاضانامه (Request) را پیدا مینماید. این تقاضانامه توسط مدیر کل سازمان بین‌المللی کار بنمایندگی از طرف کمیته برای دولت مربوط ارسال میگردد. در چنین مواردی تصمیمات کمیته، که معمولاً شامل تقاضای لغو قوانین مغایر تعهدات کشور مربوط یا تغییر نحوه اجرای این قوانین یا تقاضای ارسال اطلاعات بیشتر برای بررسی کامل میباشد، جنبه سری داشته و منتشر نمیشود. اما در مواردیکه مفاد مقاوله‌نامه‌ای بطور آشکارا نقض شده باشد یا دولتی متجاوز از دوبار به تقاضانامه‌های فوق ترتیب اثر ندهد تصمیم کمیسیون صورت نتیجه‌گیری (Observation) را پیدا میکند و در گزارش سالانه کار کمیته متخصصین بتفصیل منعکس میشود. این گزارش پس از چاپ در دسترس عموم و کنفرانس بین‌المللی کار قرار میگیرد.

۲- کمیته کنفرانس مسئول بررسی وضع اجراء مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های

بین‌المللی کار

این کمیته بطور مرتب در اجلاسهای سالانه کنفرانس بین‌المللی کار

تشکیل گردیده و گزارشهای دولتها را در مورد اجراء مقابله نامه ها و توصیه نامه ها همراه با نظریات کمیته متخصصین در این زمینه مورد بررسی قرار میدهند و پیشنهادهای لازم را به منظور اجرای واقعی مقابله نامه هائی که بتصویب رسیده بدولتهائی که بنا به تشخیص کمیته باید اقداماتی در این زمینه انجام دهند مینماید. این کمیته مرکب از نمایندگان دول، نمایندگان کافرمایان و نمایندگان کارگران کشورهای عضو سازمان بین المللی کار میباشد. در مواردیکه بنظر کمیته مقامات دولتی آنطور که باید تعهدات خود را که در اثر تصویب یک یا چند مقابله نامه بین المللی کار ایجاد گردیده است انجام نمیدهند. کمیته از نماینده دولت مزبور میخواهد تا نظریات آن دولت را باطلاع کمیته برساند. سایر اعضای کمیته بخصوص نمایندگان سازمانهای کارگری نیز در این مذاکرات بطور مؤثر شرکت مینمایند. معمولاً این مذاکرات به قول و قرار دولت مزبور در انجام اقدامات لازم خاتمه می یابد. طبق گزارشی که در سپتامبر ۱۹۶۹ در بولتن سازمان بین المللی کاربردچ رسیده است ظرف مدت شش سال (۱۹۶۳ الی ۱۹۶۹) بیش از ۴۵ مورد اختلاف از این طریق حل و فصل گردیده است. کمیته کنفرانس نتیجه بررسیهای خود را بضمیمه تعهداتی که توسط دول مربوط بعمل آمده است باستحضار مجمع عمومی کنفرانس میرساند.

علاوه بر ارکان فوق از سال ۱۹۵۰ کمیته خاصی متشکل از نه عضو (سه عضو دولتی، سه عضو کارگری و سه عضو کارفرما) که از طریق هیئت مدیره سازمان بین المللی کار انتخاب میشوند به شکایات مربوط به حقوق سندیکائی رسیدگی مینماید. همچنین طبق ماده ۳۶ اساسنامه سازمان، هیئت مدیره در سال ۱۹۶۱ براساس دوشکایت که از طرف دو دولت عضو علیه دو دولت عضو دیگر در زمینه نقض مقررات بین المللی کار انجام گرفته بود<sup>۱</sup> دو کمیته تحقیق مرکب از سه نفر متخصص تشکیل داد تا

۱ - این دوشکایت یکی از طرف دولت غنا در مورد نقض مقابله نامه شماره ۱۰۵ راجع

بررسیهای لازم را انجام داده و گزارش کار را به هیئت مزبور تسلیم نماید. نتیجه کار این دو کمیته مورد قبول دول طرف اختلاف واقع و پیشنهادهای آنان بمورد اجراء گذاشته شد.

### نتیجه

باتوجه بمراتب فوق بدون هیچگونه تردید میتوان گفت که تدابیر اجرائی سازمان بین المللی کار از جمله بهترین تدابیری است که در سطح جهانی برای حمایت از برخی حقوق و آزادیهای اساسی بشری اتخاذ گردیده است.

### سیستم گزارشهای ادواری سازمان ملل متحد

سیستم گزارشهای ادواری حقوق بشر سازمان ملل متحد طبق تصمیم سال ۱۹۵۶ شورای اقتصادی و اجتماعی (قطعنامه شماره ۲۲۴۸) بوجود آمد. براساس این قطعنامه از هر یک از کشورهای عضو سازمان ملل متحد دعوت شد تا هر سه سال یکبار گزارش جامعی راجع بوضع حقوق بشر و آزادیهای اساسی در قلمرو خود، با ذکر توفیق های حاصل و سوانح موجود، بعنوان دبیر کل سازمان ملل متحد ارسال دارند. تا سال ۱۹۶۴ سه دوره گزارش توسط کمیسیون حقوق بشر مورد مطالعه قرار گرفت. کمیسیون حقوق بشر در هر مورد کمیته مخصوصی را مأمور بررسی این گزارشها و ارائه پیشنهادهای لازم نمود. در سال ۱۹۶۵ شورای اقتصادی و اجتماعی به پیشنهاد کمیسیون حقوق بشر طبق قطعنامه شماره ۱۰۷۴ مقرر داشت که کشورهای عضو

---

بقیه پاورقی از صفحه قبل

به منع کار اجباری مورخ ۱۹۵۷ در انگولا، موزامبیک و گینه پرتقال بود و شکایت دیگر از طرف دولت پرتقال مربوط به نقض مقاله نامه شماره ۲۹ راجع به منع کار اجباری مورخ ۱۹۳۰ توسط دولت لیبریا بود.

۱ - در سری اول ۴۱ دولت و در سری دوم و سوم بترتیب ۶۷ و ۶۵ دولت گزارش

دادند.

بجای هر سه سال یکبار در طی سه سال مرتباً هر ساله گزارشهایی بر طبق برنامه و در مهلت‌های زیر تسلیم سازمان ملل متحد نمایند:

۱- سال اول - گزارش مربوط به حقوق مدنی و سیاسی - اولین گزارش تا

۳ ژوئن ۱۹۶۵.

۲- سال دوم - گزارش مربوط به حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی -

اولین گزارش تا ۳ ژوئن ۱۹۶۶.

۳- سال سوم - گزارش مربوط به وضع آزادی کسب اطلاعات<sup>۱</sup> - اولین گزارش

تا ۳ ژوئن ۱۹۶۷.

در این قطعنامه شوری از کلیه کشورهای عضو تقاضا نمود تا در هر مورد گزارش جامعی نسبت بوضع حقوق بشر، اجرای مواد مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، و حق برخورداری از استقلال و حق خودمختاری تسلیم سازمان ملل متحد نمایند. از سو کمیسیون رفع تبعیض و حمایت از حقوق اقلیتها خواسته شد تا این گزارشها را در چهارچوب قطعنامه شوری مورد مطالعه قرار داده و با پیشنهادها و توصیه‌های لازم به کمیسیون حقوق بشر ارائه دهد. از کمیسیون مقام زن نیز دعوت شد تا نظریات و پیشنهادهای خود را درباره محتوای گزارشها به کمیسیون حقوق بشر ارسال دارد.

طبق بند ۱۸ قطعنامه فوق گزارش سو کمیسیون رفع تبعیض و حمایت از حقوق اقلیتها و گزارش کمیسیون مقام زن ابتدا توسط کمیته مخصوصی که کمیسیون حقوق بشر از میان اعضای خود انتخاب مینماید مورد بررسی قرار میگیرد. این کمیته نظریات، نتیجه گیری و پیشنهادهای لازم را برای اخذ تصمیم به کمیسیون حقوق بشر ارائه میدهد. تا بحال تصمیمات کمیسیون در این زمینه جنبه کلی داشته است.

**اعلامیه ملل متحد درباره الغاء کلیه اشکال تبعیض نژادی (مورخ ۱۹۶۳)**

طبق قطعنامه شماره ۱۹۰۵ مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۶۳ مجمع عمومی



سازمان ملل متحد از کلیه کشورهای عضو سازمان ملل یا عضو سازمانهای تخصصی و همچنین از کلیه سازمانهای غیردولتی ذی‌علاقه دعوت نمود تا دبیرکل سازمان ملل را از کلیه اقداماتی که در اجرای این قطعنامه بعمل آورده‌اند مطلع سازند. مجمع عمومی همچنین از دبیرکل تقاضا نمود که گزارشی در این زمینه تسلیم مجمع عمومی نماید. دول مختلف باین تقاضا جواب موافق داده و در سال ۱۹۶۴ در حدود ۵۰ دولت گزارشهایی در این زمینه تسلیم سازمان ملل متحد نمودند. مجمع عمومی در سال ۱۹۶۵ ضمن بررسی وضع اجرای این قطعنامه، قطعنامه شماره ۱۷۰۲ را که شامل مفاد زیر میباشد تصویب نمود:

۱- از کشورهایی که تا کنون دبیرکل را از اقدامات خود مطلع نساخته‌اند تقاضا نمود در اسرع وقت او را از کلیه اقداماتی که در زمینه اجراء قطعنامه مزبور بعمل آورده‌اند مطلع سازند.

۲- از دبیرکل خواسته شد تا گزارشی درباره پیشرفت‌هایی که در اجرای قطعنامه حاصل گردیده است به بیست و یکمین اجلاس مجمع عمومی در سال ۱۹۶۶ تسلیم نماید. بنابراین همانطور که ملاحظه میگردد در این مورد نیز بر اساس قطعنامه‌های مجمع عمومی بمنظور کسب اطلاع از نحوه اجرای اعلامیه از سیستم گزارشهای موسمی استفاده شده است.

### مفاهله‌نامه الغاء کلیه اشکال تبعیض نژادی و سیستم اجرایی آن

مفاهله‌نامه الغاء کلیه اشکال تبعیض نژادی که از ماه مارس ۱۹۶۹ قدرت اجرایی پیدا نمود تبعیض نژادی را بهر نوع تمایز و ممنوعیت یا محدودیت و رجحانی که بر اساس نژاد و رنگ و یا منشاء ملی و یا قومی بوده و هدف یا اثر آن از بین بردن و یا در معرض تهدید و مخاطره قرار دادن شناسائی یا تمتع یا استیفا در شرایط متساوی از حقوق بشر و آزادیهای اساسی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و یا در هر زمینه دیگری از حیات عمومی باشد اطلاق مینماید. در این قرارداد دول عاقد، تبعیض نژادی را محکوم نموده و متعهد میگردند که با توسل بکلیه وسائل مقتضی

سیاستی را دنبال نمایند که هدف آن از بین بردن هر نوع تبعیض نژادی و تسهیل توافق و تفاهم بین افراد کلیه نژادها باشد. طبق ماده ۴ مقاله نامه دول عضو برای کلیه افراد مشمول صلاحیت قضائی خود در برابر هر نوع تبعیض نژادی که حقوق بشر و آزادیهای اساسی افراد را برخلاف مقررات این مقاله نامه مورد تجاوز قرار دهد حمایت و یک طریقه دادرسی مؤثر در برابر محاکم ذیصلاحیت ملی و سایر مراجع مملکتی را تأمین خواهند کرد و نیز متعهد میشوند که حق افراد را در مطالبه غرامت و جبران عادلانه و مناسب خساراتیکه بر اثر اعمال تبعیضات نژادی وارد میگردد تضمین نمایند.

علاوه بر این مقاله نامه، تأسیس کمیته ای<sup>۱</sup> را مرکب از ۱۸ کارشناس برای مدت ۵ سال با حق انتخاب مجدد و با توجه به تقسیم بندی جغرافیائی انواع مختلف نظامهای فرهنگی و قضائی بمنظور اجرای مقاله نامه در سطح بین المللی مقرر میدارد<sup>۲</sup>.

اعضای کمیته بارای مخفی از بین کسانیکه دول عضو نامزد کرده اند انتخاب میشوند دوره عضویت نه نفر از کسانیکه در نخستین انتخابات بعضویت کمیته برگزیده میشوند پس از دو سال منقضی میگردد. باین منظور رئیس کمیته پس از انجام نخستین انتخابات بلافاصله اساسی این نه عضو را بحکم قرعه تعیین مینماید. برطبق بند ۱ ماده ۹ مقاله نامه دول عضو متعهد گردیده اند گزارشی درباره اقدامات قانونی و قضائی و اداری وغیره که بمنظور اجرای مقررات سندرج در مقاله نامه معمول داشته اند طبق برنامه زیر بدیبرکل سازمان ملل متحد تسلیم دارند تا مورد بررسی کمیته قرارگیرد:

الف - ظرف یکسال از تاریخ لازم الاجرا شدن مقاله نامه در مورد هر یک از دولتهای عضو مقاله نامه.

۱ - بند ۱ ماده ۸ مقاله نامه.

۲ - بند ۲ ماده ۸ مقاله نامه.

ب - متعاقباً هر دو سال یکبار و بعلاوه هر وقت که کمیته چنین تقاضائی نماید<sup>۱</sup>.  
 کمیته هر ساله گزارشی از اقدامات و فعالیت‌های خود را توسط دبیر کل به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم میدارد<sup>۲</sup> و همچنین میتواند براساس مطالعات و بررسی گزارشها و اطلاعات واصله از دولتهای عضو پیشنهادها و توصیه‌هایی که دارای جنبه کلی و عمومی است بنماید این پیشنهادها و توصیه‌ها و نظریات کشورهای عضو درباره آنها نیز باید باطلاع مجمع عمومی برسد.

طبق بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۱، مقاله نامه هر گاه یکی از دول عضو تشخیص دهد که عضو دیگری مقررات مقاله نامه را مجری نمیدارد میتواند توجه کمیته را بموضوع جلب نماید و کمیته مراتب را باطلاع دولت مربوط میرساند و آن دولت موظف است ظرف ۳ ماه کتباً توضیحاتی برای روشن شدن موضوع تسلیم کمیته نماید و هر گاه در ظرف مدت شش ماه پس از اطلاع اولیه بدولت دریافت کننده موضوع از طریق مذاکرات دوجانبه یا هر وسیله دیگری که مقدر باشد بصورت تراضی طرفین حل و فصل نگردد هر یک از دو دولت میتواند موضوع را بوسیله یادداشتی برای رسیدگی بکمیته ارجاع نموده و مراتب را بدولت دیگر نیز اطلاع دهد.

رسیدگی کمیته در مورد اختلافاتی که فوقاً ذکر شد در صورتی است که اطمینان حاصل نماید که بمنظور دادخواهی قبلاً کلیه مراجع صلاحیتدار داخلی مورد استفاده قرار گرفته است (Exhaustion of local remedies) کمیته میتواند در مورد هر موضوعی که بآن ارجاع میگردد ارسال اطلاعات تکمیلی دیگری را که لازم بداند از دول مربوط تقاضا نماید. در جریان رسیدگی هر یک از دولتهای ذینفع میتواند نماینده‌ای بدون دارا بودن حق رای در جلسات کمیته داشته باشد<sup>۳</sup>.

۱ - بند ۴ ماده ۱۱ مقاله نامه.

۲ - بند ۲ ماده ۹ مقاله نامه.

۳ - بند ۵ ماده ۱۱ مقاله نامه.

پس از آنکه کمیته اطلاعاتی را که لازم تشخیص میدهد جمع آوری نمود و مورد بررسی قرارداد رئیس کمیته، کمیسیون سازش خاصی را که مشتمل بره نفر از اعضاء و یاغیر اعضاء کمیته میباشد تعیین خواهد کرد<sup>۱</sup>. اعضاء این کمیسیون با رضایت کامل طرفین اختلاف انتخاب میشوند و کمیسیون مساعی خود را بمنظور یافتن راه حل دوستانه که مبتنی بر احترام و مراعات مقابله نامه باشد بکار میبرد. در مواردیکه طرفین اختلاف ظرف مدت سه ماه در خصوص ترکیب کمیسیون جزئاً و یا کلاً بتوافق نرسند آن عده از اعضاء کمیسیون که مورد توافق طرفین اختلاف قرار نگرفته است با رأی مخفی و با اکثریت مطلق آراء اعضاء کمیته از بین اعضاء خود کمیته انتخاب میشوند<sup>۲</sup>. دول طرف اختلاف هزینه های مربوط را بر اساس صورت برآوردی که بوسیله دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم میگردد بالسویه پرداخت مینمایند. طبق ماده ۳ مقابله نامه، کمیسیون پس از بررسی کلیه جوانب موضوع، گزارشی تهیه و به رئیس کمیته تسلیم مینماید این گزارش مشتمل بر نظریات کمیسیون و متضمن توصیه هائیی برای حل دوستانه اختلاف خواهد بود.

رئیس کمیته گزارش کمیسیون را برای هر یک از دول طرف اختلاف ارسال خواهد داشت و دول مذکور ظرف مدت ۳ ماه موافقت یا مخالفت خود را با توصیه های مندرج در گزارش کمیسیون بر رئیس کمیته اطلاع خواهند داد و پس از اتمام مهلت فوق رئیس کمیته گزارش کمیسیون را بانضمام نظریات دول ذینفع برای سایر دول عضو مقابله نامه ارسال میدارد.

طبق ماده ۴ مقابله نامه هر یک از کشورهای عضو میتواند در هر زمان اعلام نماید که صلاحیت کمیته را برای دریافت و رسیدگی به شکایات افراد و یا گروهی از افراد که در قلمرو آن کشور مقیم بوده و مدعی نقض یکی از حقوق مندرج در مقابله نامه از طرف آن دولت هستند برسمیت می شناسد. کشور مزبور میتواند هر موقع که مقتضی

۱ - بند الف ماده ۱۲ مقابله نامه.

۲ - بند ب ماده ۱۲ مقابله نامه.

بداند این اعلامیه را لغو نماید در اینصورت تنها شکایاتی قابل رسیدگی میباشد که قبل از تاریخ لغو اعلامیه واصل شده باشد. کمیته هیچ شکایتی را از طرف افراد یا گروهی از افراد علیه دولتی که مبادرت به شناسائی صلاحیت کمیته نمود است نمییذیرد. هر یک از کشورهای عضو مقاوله نامه که صلاحیت کمیته را در این زمینه مورد شناسائی قرار میدهند میتوانند در چهارچوب مقررات قضائی خود برای دریافت شکایات افراد و یا گروهی از افراد که در قلمرو آن کشور مقیم میباشند و پس از مراجعه به کلیه مراجع صلاحیتدار آن کشور مدعی نقض حقوق مندرج در مقاوله نامه از طرف دولت مذکور هستند مرجعی را ایجاد و یا تعیین نمایند. این مرجع سعی خواهد نمود تا در صورت نقض حقوق مندرج در مقاوله نامه موجبات رضایت شاکی را فراهم سازد و همچنین موظف است شکایات واصله را در دفتری ثبت کرده و نسخه های مصدق این دفتر را همه ساله در اختیار دبیر کل سازمان ملل متحد قرار دهد. محتویات دفتر مزبور افشاء نخواهد شد و هر گاه این مرجع نتواند موجبات رضایت عارض و یا شاکی را فراهم سازد شاکی حق دارد در ظرف مدت ۳ ماه مراتب را باستحضار کمیته برساند. کمیته شکایت را بطور محرمانه بنظر دولتی که مورد ادعای نقض مقررات مقاوله نامه میباشد میرساند. در هر صورت کمیته نمیتواند هویت فرد یا گروه افراد مدعی را بدون رضایت صریح آنان فاش نماید. دولت مربوط ظرف مدت سه ماه از تاریخ آگاهی از مفاد شکایت توضیحات لازم را برای روشن شدن موضوع، همچنین اقداماتی که انجام آنها میسر است، کتباً باطلاع کمیته میرساند. کمیته باتوجه به مفاد شکایت و جوابیه دولت مورد نظر بموضوع رسیدگی نموده و در صورت لزوم پیشنهادها و توصیه های لازم را برای دولت مورد شکایت و شخص شاکی ارسال میدارد. البته کمیته تنها در صورتی بموضوع شکایت رسیدگی مینماید که اطمینان حاصل کند که شخص شاکی قبلاً به کلیه مراجع صلاحیتدار داخلی مراجعه نموده است. خلاصه این نوع شکایات و جوابیه دولتها و پیشنهادها و توصیه های کمیته در گزارش سالیانه آن منعکس میگردد.

انتخاب اعضاء کمیته در نوامبر ۱۹۶۹ انجام گرفت و اشخاص ذیل برطبق ماده ۸ مقاله نامه برای مدت ۴ سال عضویت کمیته انتخاب شدند.

- ۱ - آقای الوین ربرت کرنلیوس - (از پاکستان)
- ۲ - « راجشوراردایال - (از هند)
- ۳ - « میخائیل زاخاروویچ گمانت - (از اوکراین)
- ۴ - « هاستروپ - (از نیجریه)
- ۵ - « خوزه انگلس - (از فیلیپین)
- ۶ - « هربرت مرچانت - (از انگلستان)
- ۷ - « ابوالنصر - (از جمهوری متحده عرب)
- ۸ - « گوانزالوارتیز مارتین - (از کستاریکا)
- ۹ - « دوریس اووسو - آدو - (از غنا)
- ۱۰ - « کارل ژوزف پارش - (از جمهوری فدرال آلمان)
- ۱۱ - « الکساندر پلس - (از یوگسلاوی)
- ۱۲ - « زیگنیورسیچ - (از لهستان)
- ۱۳ - « لوئیز والنسیارد ریگز - (از اکوادور)
- ۱۴ - « زنون روسیدن - (از قبرس)
- ۱۵ - « فایز ساقی - (از کویت)
- ۱۶ - « س.ت.م. سوکاتی - (از سوازیلند)
- ۱۷ - « ن.ک. تارازف - (از شوروی)
- ۱۸ - « ژان تومکو - (از چکواسلواکی)

کشورهای عضو مقاله نامه تا تاریخ ۲۰ نوامبر ۱۹۶۹ بشرح زیر میباشند:  
 آرژانتین - برزیل - بلغارستان - کستاریکا - قبرس - چکواسلواکی - اکوادور -  
 جمهوری فدرال آلمان - غنا - واتیکان - مجارستان - ایسلند - هند - ایران - کویت -  
 لیبی - ماداگاسکار - نیجر - نیجریه - پاکستان - پاناما - فیلیپین - لهستان - سیرالئون -  
 اسپانیا - سوازیلند - سوریه - تونس - جمهوری سوسیالیستی اوکراین - جمهوری

سوسیالیستی شوروی - جمهوری متحده عرب - انگلستان - اوروگوئه - ونزوئلا - یوگسلاوی .

### اقدامات کمیسیون حقوق بشر در زمینه بررسی موارد نقض حقوق و آزادیهای اساسی

کمیسیون حقوق بشر از سال ۱۹۶۶ تا کنون بیش از ۳۰۰۰ شکایت از افراد و سازمانهای غیردولتی از نقاط مختلف جهان که همگی ادعای نقض حقوق و آزادیهای اساسی را مینموده‌اند دریافت نموده‌است لکن تا بحال سیستمی برای رسیدگی باین نوع شکایات در کمیسیون حقوق بشر و یا سایر ارکان سازمان ملل متحد ایجاد نشده‌است. از اینرو کمیسیون همه‌ساله در یک جلسه سری که حداکثر از یک الی دو ساعت تجاوز نمیکند شکایات را از طریق دبیر کل دریافت نموده و وصول آنرا بدون هیچگونه بررسی اعلام میدارد. در واقع تنها اقدام دبیر کل در اینگونه موارد اینستکه بمحض وصول شکایاتی متن آنرا برای دولت مربوط ارسال میدارد و در صورتیکه جوابیه‌ای از طرف آن دولت واصل شود، دبیر کل رونوشت متن شکایت را بانضمام جوابیه در اختیار کمیسیون حقوق بشر میگذارد.

از سال ۱۹۶۶ موضوع « موارد حاکی از نقض فاحش و مداوم حقوق بشر و آزادیهای اساسی » در دستور کمیسیون حقوق بشر قرار گرفت و کمیسیون در بیست و پنجمین اجلاسیه خود در ماه مارس ۱۹۶۹ قطعنامه‌ای بتصویب رسانید که طی آن از سو کمیسیون رفع تبعیض و حمایت از اقلیتها درخواست نمود که در ابتدای هر دوره اجلاسیه یک گروه کار پنج نفره از اعضای خود را، با توجه بتقسیم‌بندی جغرافیائی، تعیین نماید تا هر ساله قبل از تشکیل سو کمیسیون در جلسات سری که از ده روز تجاوز نماید، کلیه شکایات افراد و گروهها و سازمانهای غیردولتی و همچنین جوابیه دول مربوط را بررسی نماید. از سو کمیسیون هم‌چنین خواسته شد که طی جلسات

---

۱- «Situation which reveals consistent pattern of gross violation of human rights».

خود گزارش گروه کار را ، بانضمام جوابیه دولتها و سایر اسناد و مدارك، بمنظور اخذ تصمیم نسبت به لزوم جلب توجه کمیسیون حقوق بشر بموارد خاصی که حاکی از «نقض فاحش و مداوم حقوق بشر و آزادیهای اساسی» است، مورد رسیدگی قرار دهد و نتیجه را باطلاع کمیسیون حقوق بشر برساند. کمیسیون حقوق بشر پس از بررسی گزارش سو کمیسیون میتواند در زمینه تهیه گزارش و توصیه لازم بشورای اقتصادی و اجتماعی اقدام نماید و یا از طریق کمیته خاصی متشکل از اعضاء کمیسیون، در صورت کسب موافقت کشور مورد نظر ، بررسی های لازم را انجام دهد.

قطعنامه کمیسیون حقوق بشر اشعار میدهد که این اقدامات باید بطور سری انجام گیرد. تصمیم کمیسیون که برای تصویب نهائی به شورای اقتصادی و اجتماعی پیشنهاد شده بود طبق تصمیم این شورا از طریق دبیر کل سازمان ملل متحد باطلاع کلیه کشورهای عضو رسید و پس از گردآوری نظریات دولتها در بیست و ششمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر ، که اواخر ماه مارس سال ۱۹۷۰ خاتمه یافت، برای اخذ تصمیم مجدد مطرح گردید. این بار نیز کمیسیون حقوق بشر مجدداً قطعنامه ای شبیه قطعنامه سال قبل برای تصویب بشورای اقتصادی و اجتماعی پیشنهاد نمود.

### کمیسیون عالی حقوق بشر

موضوع تأسیس اداره کمیسیون عالی حقوق بشر که تصدی آن باشخصی بعنوان کمیسیون عالی حقوق بشر میباشد در سال ۱۹۶۵ توسط نماینده کستاریکا در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر مطرح گردید. از جمله مهمترین وظایفی که برای او پیشنهاد گردیده است کوشش در توسعه مراعات هرچه بیشتر حقوق بشر و آزادیهای اساسی در سطح جهانی میباشد. همچنین پیش بین شده است که کمیسیون باحفظ روابط نزدیک با مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی ، دبیر کل سازمان ملل ، کمیسیون مقام زن ، سایر ارکان سازمان ملل متحد و سازمانهای تخصصی که وظایف آنها با حمایت بین المللی حقوق بشر مربوط است در توسعه مراعات حقوق بشر کوشش



خواهد نمود. بنظر بعضی از نمایندگان وی میتواند «موارد نقض فاحش حقوق بشر و آزادیهای اساسی» را بررسی نموده و به مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی و کمیسیون حقوق بشر گزارش دهد.

طرفداری ایالات متحده آمریکا از این پیشنهاد موجب برانگیختن مخالفت شدید اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و کشورهای عضو بلوک سوسیالیستی و برخی کشورهای آفریقائی و آسیائی گردید بطوریکه تا بحال در این زمینه تصمیمی گرفته نشده است و موضوع هنوز در دستور مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار دارد.

این مقاله مختصری است از مهمترین اقدامات اجرائی بین المللی در زمینه حمایت از حقوق افراد که از زمان تشکیل جامعه ملل متحد تا کنون انجام یافته است. در مقالات بعدی سعی خواهد شد که این مطالب تکمیل شده و بخصوص سیستم اجرائی بسیار مهم مقاله نامه اروپائی حقوق بشر که در سال ۱۹۵۰ منعقد گردید بررسی شود.

## منابع و مأخذ

١ - اسناد

الف - سازمان ملل متحد

- E/CN. 4/: Pertaining to the Human Rights Commission.  
Secretary General, *Study of the Legal Validity of the Undertakings Concerning Minorities*, E/CN. 4/367 and E/CN. 367/ Add. 1.  
Secretary General, *Procedure of International Protection of Minorities under the League of Nations*, E/CN. 4/ Sub. 2/6.  
*Yearbook of Human Rights*.

ب - جامعه ملل

- League of Nations Treaty Series*.  
*Official Records of Meetings of the Council*.  
*Official Journal*, Special Supplement, Nos. 115, 120, 1933.

٢ - کتب

- Azcarate, Pablo de, *The League of Nations and National Minorities*, (Washington D. C. : Carnegie Endowment for International Peace, 1945).  
Bagley, T.H. ; *General Principles and Problems in the International Protection of Minorities*, (thesis presented at the Geneva Graduate Institute of International Studies, Geneva Imprimeries Populaires, 1950).  
Brunet, R. *La garantie Internationale des Droits de l'Homme*, (Geneva: Ch. Grasset, 1947).  
Dunn, F. S. *The Protection of Nationals*, (The Johns Hopkins Press, 1962).

- Green, J. F. *The United Nations and Human Rights*, (Washington, D. C. : The Brookings Institute, 1960).
- Jenks, W. C. *Human Rights and International Labour Standards*, (London: Stevens and Sons Ltd., 1960).
- The International Protection of Association for Trade Union Purposes*, Recueil des Cours de l'Academie de Droit International, Vol. I, 1955
- The International Protection of Trade Union Freedom*, (London: Stevens and Sons Ltd., 1957).
- Kaeckenbeck, G. *The International Experiment of Upper Silesia*, (London: Oxford University Press, 1942).
- Mc Cartney, C.A. *National States and National Minorities*, (London: Humphrey Milford, 1934).
- Mair, L. P. *The Protection of Minorities*, (London: Christophers, 1968).
- Mandelstam, A. N., *La Protection Internationale des Minorites*, (Paris: Librairie du Recueil Sirey, 1931).
- La Protection des Minorites*, Recueil des Cours de l'Academie de Droit International, 1923.
- La Protection internationale des droits de l'homme*, Recueil des Cours de l'Academie de Droit International, Vol. IV, 1931.
- Rajan, M. S. *United Nations and Domestic Jurisdiction*, (Bombay: Orient Longmans, 1958).
- Robinson, J. *Were the Minorities Treaties a Failure?*, (New York: Institute of Jewish Affairs, 1943).
- Stone, J. *International Guarantee of Minority Right*, (London: Oxford University Press, 1932).